

یک کتاب

یک مقاله

سخن و سخنوری



خطیب معاصر حجت الاسلام و
المسلمین محمد تقی فلسفی

آنان به استماعش بیشتر است.
(ج) هنر ناطق در کیفیت القای
کلام.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «رُبَّ
كَلَامٍ أَنْفَقَ مِنْ سِيَاهٍ؛ چه بسا کلامی که
تأثیرش [در شنوندگان] از تیرهای بزّان
و دل شکاف زیادتر است.»^۱

آگاهی و آگاه‌سازی

(۲) سخنور باید از مطلبی که
می‌خواهد مورد بحث قرار دهد، آگاه
باشد، یعنی بداند چه می‌خواهد بگوید
یا چه مسائلی را با شنوندگان در میان
می‌گذارد و با چه نظم و ترتیبی آن را ادا

مقاله حاضر، گزیده مهم‌ترین
مطالب کتاب «سخن و سخنوری» اثر
خطیب توانا حجت الاسلام و
المسلمین محمد تقی علیه السلام فلسفی است.

ناطق و فن سخن

(۱) سه چیز در نطق گویندگان
نقش بسیار مهم و مؤثر دارد: **الف)** شخصیت ناطق و قدر و
منزلی که در افکار عمومی دارد. به هر
نسبتی که ناطق محبوب‌تر باشد و
مقبولیتش در جامعه بیشتر، به همان
نسبت توجه مردم به سخنش زیادتر و
اثر کلامش فزون‌تر خواهد بود.

ب) موضوع مورد بحث. هر قدر
موضوع به نظر مردم مهم‌تر باشد میل

می‌کند.

(۳) آگاهی سخنران به ماده و صورت سخن و آغاز و انجام کلام، به گفته‌های وی نظم و ترتیب می‌بخشد. (۴) سخنران علاوه بر خود آگاهی، باید آگاه‌سازی هم بنماید و در آغاز کلام موضوع بحث خود را هرچند با عبارتی کوتاه و مختصر به اطلاع شنوندگان برساند.

اقناع و ترغیب

(۵) سخنران باید در موضوعی که مورد بحث قرار می‌دهد، آن قدر قوی و مسلط باشد که بتواند عقل شنوندگان را در صحت و اصالت آن اقناع نماید و آنان را با خود موافق و هم عقیده سازد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كُزْبِهِ وَمَا مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَتِهِ؛ هیچ یک از اوامر خداوند اطاعت نمی‌شود مگر با کراهت و بی‌ رغبتی و هیچ یک از معاصی صورت نمی‌پذیرد مگر با شهوت و تمایل نفسانی»^۱

سخن گفتن بدون علم

(۶) در آئین مقدس اسلام، سخن گفتن از روی علم و بصیرت و لب فرو بستن از آنچه نمی‌داند یکی از حقوق

خداوند بر بندگان است. «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيُنٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ قَالَ أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَيَقْفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ؛ زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: حق خدا بر بندگان چیست؟ در پاسخ فرمود: آن را که می‌دانند بگویند و در چیزی که نمی‌دانند توقف نمایند»^۲

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «دَعِ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ؛ سخن گفتن را در چیزی که نمی‌دانی و از آن آگاهی نداری رها کن»^۳

بدون علم سخن گفتن، گوینده را تحقیر می‌کند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «تَكَلَّمُوا تَعَرَّفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ سخن بگوئید تا شناخته شوید. چه آدمی زیر پوشش زبان پنهان است [و چون سخن بگوید، قدر و منزلتش روشن می‌گردد.]»^۴

زبان در دهان ای خردمند چیست

کلید در گنج صاحب هنر

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۴.

۳- فهرست غرر، ص ۳۳۳.

۴- نهج البلاغه، کلمه ۳۹۲.

چو در بسته باشد چه داند کسی

که گوهر فروش است یا پيله‌ور

سخن ارتجالی

۸) سخن ارتجالی به سخنی گفته می‌شود که در صلاحیت سخنران می‌باشد ولی در شرایطی قرار می‌گیرد که بدون آمادگی قبلی مجبور به سخنرانی می‌شود. این‌گونه سخنرانی‌ها را فقط افراد با تجربه و توانمند باید بپذیرند که اندوخته فکری و ذخیره علمی فراوان دارند.

رعایت فهم شنوندگان

۹) سخنران باید در گفته‌های خود مقدار درک شنوندگان را رعایت نماید و در خور فهم آنان سخن بگوید. برای نیل به این هدف، دو نکته باید همواره مورد توجه خطیب باشد:

الف) ماده‌ای را که برای بحث انتخاب می‌نماید، شایسته مجلس و متناسب با فهم حضار باشد که در غیر این صورت یا به موضوع بحث ستم کرده است و یا به شنوندگان.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أقام عیسی بن مریم خطیباً فی بنی اسرائیل فقال یا بنی اسرائیل لاتحدثوا الجهال الحکمة فتظلموها ولاتمنعوا أهلها فتظلموهم؛

حضرت عیسی بن مریم بین بنی اسرائیل برای خطابه به پا خاست. فرمود: ای بنی اسرائیل، مطالب حکیمانانه را با افراد جاهل در میان نگذارید که این ظلم به حکمت است، و آن را از افراد شایسته منع کنید که ظلم به شایستگان است.»^۱

ب) در مقام سخن، درجه عقل، نیروی درک، سطح فرهنگ، ظرفیت معنوی، استعداد فکری، قدرت فراگیری، طرز تفکر و درجات صلاحیت و شایستگی شنوندگان را بسنجد و مطالب خود را با رعایت استعداد آنان بیان نماید، نه آنکه مراتب علمی خود را معیار قرار داده و هرچه را که می‌داند بگوید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كَلَّ مَا تَعْلَمُ؛ در مقام سخن، نه فقط آن را که نمی‌دانی مگوی بلکه همه دانسته‌های خود را نیز به زبان نیاور.»^۲ در جای دیگر می‌فرماید: «یَسْتَبْغِي أَنْ يَكُونَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَائِدًا عَلَى نَطْقِهِ وَعَقْلُهُ غَالِيًا عَلَى لِسَانِهِ؛ شایسته و سزاوار آن است که علم

۱- امالی صدوق، ص ۲۵۳.

۲- نهج البلاغه، کمله ۳۸۲.

آدمی از نطقش فزون تر باشد و عقلش بر زبان وی غالب و پیروز.^۱
تقوی و خلوص سخنور

۱۰) تأثیر کلام خطیب از بزرگترین نشانه‌های شخصیت او در افکار عمومی است. سخنور اسلامی، اگر به گفته‌های خود عمل نکند، نفوذ کلام خود را از دست می‌دهد و مردم به امر و نهی او ترتیب اثر نمی‌دهند و گفته‌هایش را بسی تفاوت تلقی می‌نمایند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ النَّمَطَرُ عَنِ الصَّفَا؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زمانی که عالم، به علم خود عمل نکند موعظه او از دل‌ها می‌لغزد همان‌طور که باران از روی سنگ‌های سخت می‌لغزد.»^۲

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَا ذَرٍّ مَا مِنْ خَطِيبٍ إِلَّا عَرِضَتْ عَلَيْهِ حُطْبَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَا أَرَادَ بِهَا؛ رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اباذر فرمود: هیچ خطیبی نیست مگر آن که در قیامت خطبه او و قصدش از ایراد آن خطبه به وی عرضه می‌شود.»^۳

مقدمه سخن

(۱) مقدمه از دو دیدگاه قابل

بررسی است:

لزوم و عدم لزوم که به اعتبار محتوای سخن و با توجه به شرایط به چهار قسم قابل تقسیم است:

۱- ذکر مقدمه ضروری است.

۲- مقدمه ضرورت ندارد ولی

ذکرش مفید و ثمربخش است.

۳- مقدمه لازم نیست و ذکرش

خلاف بلاغت است.

۴- ذکر مقدمه زیان‌بار و مضر

است و باید ترک شود.

کیفیت و مقدار مقدمه

الف: کیفیت

(۱۲) مقدمه سخن، به منزله پلی

است که افکار شنوندگان را با اصل

مطلب مرتبط می‌کند و موجب تقریب

اذهان می‌گردد، لذا سخنور باید آن را

به گونه‌ای طرح‌ریزی کند و مطالبی را

در آن به کار برد، که راه‌گشای

شنوندگان، در فهم متن سخنرانی باشد.

ب: مقدار

(۱۳) سخنور باید مراقبت نماید که

مقدمه از حدی که متناسب است

۱- غرر الحکم، ص ۸۷۶

۲- کافی، ج اول، ص ۴۴.

۳- امامی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۴۳.

می خواند و بیان می کند که این آیه از مستشابهات است. در این موقع یک شنونده دقیق می تواند اشکال کند که شما یا باید می گفتید: «فی کتابه» و یا اینکه می گفتید: «فی مُتَشَابِهِ کِتَابِهِ».

(۱۸) مبلّغ باید حدّ خود را بشناسد، ارزش معلومات خویش را بداند، بلند پروازی نکند و از مرز صلاحیت علمی و لیاقتی که دارد، قدمی فراتر نگذارد.

عن النَّبِيِّ ﷺ: «مَلَكَ امْرَأَةٌ لَمْ يَغْرِفْ قَدْرَهُ وَ تَعَدَّى طَوْرَهُ؟» رسول اکرم ﷺ فرمود: در معرض هلاک و تباهی است آن کس که قدر و ارزش خود را نشناسد و از حد خویش تن تجاوز نماید.»

(۱۹) خطیبی که حد خود را از جهت تقوی و درستکاری می شناسد و از لغزش های خویش آگاهی دارد، هنگام سخن باید خود را ضمیمه مردم کند و بگوید: «ما مسلمانیم، حق نداریم غیبت کنیم، دروغ بگوئیم، دشنام دهیم و ...» اما اگر خود را نادیده انگارد و فقط خطابش به مردم باشد، سخنش

تجاوز نکند و به زیاده روی گرایش نیابد، زیرا نقش مقدمه نزدیک کردن ذهن مخاطب به اصل بحث است و نه دور نمودن آن.

سخن حاوی پیام

(۱۵) اگر خطیب از مجموعه گفته های خود مطلب کوتاه و آموزنده ای را برگزیند و در پایان به شنوندگان خاطر نشان نماید، سخنش حاوی پیام خواهد بود و این خود برای سخنران امتیاز مثبتی است.

مزاج متعادل

(۱۶) حالات جسمی و روحی خطیب باید عادی و طبیعی باشد و در مواقع دردمندی، گرسنگی، بی خوابی و ... سخنرانی ننماید.

بدترین سخن

(۱۷) بدترین سخن، سخنی است که صدر و ذیل آن متناقض باشد. قال علی علیه السلام: «سُرُّ الْقَوْلِ مَا نَقَضَ بَعْضُهُ بَعْضاً؟» بدترین سخن آن است که قسمتی از آن قسمت دیگر را نقض کند.»

به عنوان مثال خطیبی در اول کلام خود می گوید: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُخْتَلَمٍ كِتَابِهِ الْكَرِيمِ،» و یکی از آیات قرآن را

۱- غرر الحکم، ص ۴۴۴.

۲- کتاب شهاب، ص ۵۸.

را تکریم و احترام کند و در امور خویش حد سنّ و سال افراد را مراعات نماید.

قال النبی ﷺ: «تَجَلَّوْا الْمَشَايِخَ فَإِنَّ تَجَلُّلَ الْمَشَايِخِ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ لَمْ يَتَجَلَّ لَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي»^۱؛ رسول اکرم ﷺ فرمود: پیران را مورد تکریم قرار دهید، که بزرگ شمردن آنان، تکریم ذات اقدس الهی است. کسی که قدر آنان را بزرگ نشمرد، از پیروان مکتب ما نیست.

چه می‌خواهد بگوید؟

(۲۳) پیش از آنکه خطیب بر کرسی خطابه قرار گیرد، باید بداند چه می‌خواهد بگوید و محتوای سخنش چیست؟ زیرا شناخت هدف، خط مشی سخنران را تعیین می‌کند و به وی قدرت روحی و اطمینان خاطر می‌بخشد.

عن علی ﷺ: «فَكَرُّكُمْ تَكَلُّمٌ تَنْسَلِمُ مِنْ الزَّلَلِ»^۲؛ علی ﷺ فرموده است: اول فکر کن، آنگاه سخن بگوی، تا از لغزش‌ها سالم و محفوظ بمانی.

۱- وسائل، ج ۱۱، ص ۴۲۵.

۲- غرر الحکم، ص ۸۶۲.

۳- مشکوٰۃ الأنوار، ص ۱۶۸.

۴- فهرست غرر، ص ۳۱۵.

تأثیر لازم را نخواهد داشت. (۲۰) خطیب باید حد خود را در قدر و منزلت اجتماعی بشناسد و به تناسب موقع و مقام خود سخن بگوید و از مرز خویش فراتر نرود که موجب هتک و توهینش خواهد شد و اسلام آن را روانی دارد.

عن ابی عبد الله ﷺ قال: «لَا يَنْبَغِي لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛ أَمَا صَادِقٌ ﷺ فرمود: برای مؤمن شایسته نیست که خویشتن را ذلیل و خوار نماید.»

(۲۱) غرور از جمله عواملی است که ممکن است در خطیب اثر سوء بگذارد و موجب شود که در کرسی سخن حد خود را از یاد ببرد.

قال علی ﷺ: «يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَخْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَ سُكْرِ الْقُدْرَةِ وَ سُكْرِ الْعِلْمِ وَ سُكْرِ الْمَدْحِ وَ سُكْرِ الشَّيْبِ فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيًّا خَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسَخِفُ الْوَقَارَ؛ سزاوار است انسان عاقل از مستی مال، مستی قدرت، مستی علم، مستی مدح و مستی جوانی بر حذر باشد. چه همه این عوامل را بادی است ناپاک، که عقل را سلب می‌کند و آدمی را سبکسر و بی شخصیت می‌سازد.»

(۲۲) مبلغ باید پیران و افراد مسنّ

چگونه می‌خواهد بگوید؟

(۲۴) همان‌طور که خطیب، قبل از آغاز سخن، لازم است مواد مورد بحث خود را در نظر بگیرد و مشخص کند، همچنین لازم است مواد را در ذهن خود تنظیم نماید و چگونگی آغاز، انجام و محتویات بحث را در ذهن خود مرتب سازد. **عن علی علیه السلام قال: «أَخْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَفَهْمَةُ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ؛** علی علیه السلام فرموده است: بهترین کلام آن است که حسن نظم و ترتیب، به آن زیبایی و جمال بخشد و برای تمام مردم، از خواص و عوام، قابل فهم باشد.»

پرهیز از نقل شنیده‌ها

(۲۵) خطیب باید از گفتن شنیده‌هایی که به نظر دروغ و غیر قابل قبول می‌آید، خودداری کند و بی‌جهت خویشتن را در معرض نفی و اثبات این و آن قرار ندهد. **قال علی علیه السلام: «لَا تَحَدِّثْ بِمَا تَخَافُ تَكْذِيبَهُ؛** چیزی را که از تکذیب آن خوف داری، به مردم مگوی.»

واکنش سخن

(۲۶) خطیب باید موضوع سخن خود را از بعدهاى مختلف بسنجد، واکنش‌ها را در نظر بگیرد و سپس برای شنوندگان بیان نماید.

(۲۷) واکنش بد و اثر نامطلوبی که سخن گوینده در قلوب مردم به جای می‌گذارد، ناشی از دو عامل است:
الف - انحرافات فکری؛
ب - ناسنجیده سخن گفتن.

سخنور و فصاحت

(۲۸) خطیب باید کلمات و جملاتی را به کار برد که روان و روشن باشد و از گفتن الفاظ پیچیده و نامأنوس اجتناب نماید.

عن علی علیه السلام قال: «أَخْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَمُجُّهُ الْأَذَانُ وَلَا يَتَعَبُ فَهْمُهُ الْأَفْهَامُ؛ علی علیه السلام فرموده است: بهترین کلام آن است که گوش‌ها را در شنیدن بی‌ رغبت ننماید و فهم‌ها را به سختی و مشقت نیندازد.»

(۲۹) سخنور فصیح باید اولاً به اندازه لازم بر لغات فصیح و کلمات روان مسلط باشد و ثانیاً دارای ذوق طبیعی و استعداد فطری باشد.

(۳۰) سخنور فصیح، باید سخن آفرین باشد و آن چنان خود را آماده کند و در ادای کلمات و ساختن جملات تسلط

۱- همان، ص ۳۳۲.

۲- غرر الحکم، ص ۸۰۰.

۳- فهرست موضوعی غرر الحکم، ص ۳۳۲.

آدمی محبوبیت می‌بخشد، زیبایی و جمال است؛ خواه زیبایی ظاهری باشد و خواه از جهت باطن و اخلاق.

۳۶) فصاحت بیان برای انسان فصیح، نوعی جمال و زیبایی است. او وقتی لب می‌گشاید و سخن می‌گوید، شنوندگان با میل و رغبت به وی می‌نگرند و با علاقه و اشتیاق به سخنانش گوش می‌دهند. «سَمِعَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْ عَمِّهِ الْعَبَّاسِ كَلَامًا فَصِيحًا فَقَالَ لَهُ: بَارَكَ اللَّهُ لَكَ يَا عَمُّ فِي جَمَالِكَ أَيُّ فَصَاحَتِكَ؟» رسول اکرم ﷺ از عمویش عباس بن عبدالمطلب کلام فصیحی شنید. فرمود: خداوند جمالت را یعنی فصاحتت را برای تو ثابت و پایدار قرار دهد.»

گزینش لغات

۳۷) اگر سخنران بخواهد بر الفاظ تسلط یابد، به گونه‌ای که قادر شود با سهولت، آن‌ها را ضمن سخن به کار برد، باید هر کجا یک کلمه یا جمله زیبایی را شنید یا در نوشته‌ای خواند، آن را در دفترچه‌ای یادداشت نماید و به ذهن بسپارد، تا موقع سخنرانی در جای خود به تناسب بحث استفاده نماید.

یابد که موقع سخنرانی در بن‌بست واقع نشود.

۳۱) سخنور باید بدون تکلف و زحمت، مسائل مورد بحث خود را در قالب الفاظی فصیح و زیبا و جملاتی بدیع و رسا، که وافی به مقصود باشد بریزد و آن‌طور که می‌خواهد با بیانی روشن و واضح به اطلاع شنوندگان برساند.

ضرورت تمرین

۳۲) کسی که می‌خواهد خلاق سخن شود، لازم است برای خود برنامه تمرین قرار دهد و هر روز درباره یکی از آیات و روایات یا یکی از وقایع روز چندین بار با عبارات مختلف سخن بگوید.

۳۳) مبلغ باید با تمرین و ممارست زیاد، سخن گفتن را ملکه نفس خویش سازد.

۳۴) سخن گفتن در مجالس بزرگ مثل شناکردن در استخرهای بزرگ و دریاست که نیاز به تمرین و ممارست در استخرهای کوچک دارد. پس یک سخنور ابتدا در جلسات کوچک تمرین می‌کند سپس در جلسات بزرگ با حضور هزاران نفر سخن می‌گوید.

زیبایی و جمال

۳۵) از جمله اموری که در جامعه به

کلمات زشت

(۳۸) متکلم فصیح باید مراقبت کند که در کرسی خطابه، سخنانش به لغات زشت و الفاظ قبیح آلوده نگردد و کلماتی که بر خلاف ادب است به زبان نیاورد.

(۳۹) الفاظ زشت و کلمات خلاف ادب، قدر و منزلت اجتماعی مبلغ را کاهش داده و افراد وزین را از اطراف او دور می‌کند.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِيَّاكَ وَمَا يَسْتَهْجِنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَخْسُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَمَيَّقُرُّ عَنْكَ الْكِرَامَ»؛ از سخنان قبیح و مستهجن پرهیز نما که زشتگویی، فرومایگان را در اطرافت نگاه می‌دارد و عناصر شریف و بزرگواری را از گردت پراکنده می‌سازد.»

(۴۰) زیان زشتگویی عاید گوینده آن می‌شود و کسی که مردم از زبان او خائف‌اند گرفتار آتش خواهد شد.

عن النبی صلی الله علیه و آله قَالَ: «يَا عَلِيُّ مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ»؛ ای علی، کسی که مردم از زبانش بترسند، از اهل دوزخ است.»

وقفه در کلام

(۴۱) خطیب فصیح، باید در ضبط

لغات و ساختن جملات بسیار تمرین کند که حین سخن برای یافتن لفظ مناسب، دچار وقفه نشود و تسلسل کلامش از بین نرود.

لکنت زبان

(۴۲) عوامل زیر باعث لکنت زبان و جویده و نامفهوم سخن گفتن می‌شود:

الف) نارسایی علمی

ب) دودلی و تردید در صحت و

سقم مطلب مورد نظر

ج) خلاف عقیده و واقعیت سخن گفتن

تناسب در سرعت کلام

(۴۳) رعایت اعتدال در تندگویی و کندگویی از جمله مسائلی است که در فصاحت متکلم اثر قابل ملاحظه‌ای دارد و خطیب باید با تمرین آن را ملکه خود سازد.

اندازه گیری صدا

(۴۴) صدای خطیب، باید معتدل و به اندازه باشد. نه آن قدر بلند حرف بزند که صورت فریاد به خود بگیرد و نه آن قدر آهسته که شنونده به سختی و با توجه بیش

۱- غرر الحکم، ص ۱۵۶.

۲- بحار، ج ۷۴، ص ۴۶.

از اندازه بشنود.

(۴۵) سخنران آنجا که می خواهد به مردم خطاب کند و مطلب مهمی را تذکر دهد، مقتضی است با صدای بلندتر از حد عادی سخن بگوید. و آنجا که در مقام پسندگفتن است و می خواهد مردم را نصیحت کند، بهتر است آن را آهسته بیان نماید.

بلاغت سخنور

(۴۶) خطیب بلیغ کسی است که در مقام خطابه، با توجه به مقتضیات زمان، گفته هایش فصیح و روان و خالی از پیچیدگی باشد.

(۴۷) سخنران بلیغ، کلام را به درازا نمی کشاند و نیازی به اطاله سخن ندارد. «قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا السِّبْلَةُ؟ قَالَ مَنْ عَرَفَ شَيْئًا قَلَّ كَلَامُهُ فِيهِ وَإِنَّمَا سُمِّيَ التَّبْلِيغَ لِأَنَّهُ يَبْلُغُ حَاجَتَهُ بِأَمْرٍ سَعِيَةٍ؛ از امام صادق عليه السلام سؤال شد: بلاغت چیست؟ در پاسخ فرمود: کسی که چیزی را می داند، درباره آن کم سخن می گوید و بلیغ را بلیغ می گویند، چون با کوشش ناچیز به نیاز خود دست می یابد.»

(۴۸) شکر نعمت گران بهای سخن آن است که این نعمت، در جای خود با اندازه گیری صرف شود. «عن موسی بن

جعفر عليه السلام قَالَ يَا هِشَامُ مَنْ مَحَى طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِطُولِ كَلَامِهِ فَكَأَنَّمَا أُعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَذَمِ عَقْلِهِ وَمَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَدُنْيَاهُ^۱؛ امام موسی بن جعفر عليه السلام، هشام بن حکم را مخاطب ساخته و فرمودند: هر کس نوآوری های حکیمانه و مطالب تازه و ارزشمند خود را با طولانی کردن سخن خود محو نماید (و آن را بی اثر کند)، مثل این است که هوای نفس خویش را برای ویران سازی عقل خود یاری نموده است و کسی که با عقل خویشتن چنین کند، دنیا و آخرت خود را فاسد کرده است.»

(۴۹) خطیب بلیغ، مقدار سخن را با توجه به اقتضای مجلس می سنجد و اختصار و تفصیل کلام را با رعایت موقع و مقام اندازه گیری می کند.

عن علی عليه السلام قَالَ: «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يَقِيلُ وَلَا يَمِيلُ^۲؛ علی عليه السلام فرمود: بهترین کلام آن است که نه کم باشد [و خلاف توقع] و نه [زیاد و] ملال انگیز.»

(۵۰) خطیب و مبلغ پرحرف و زیاده گوی باید منتظر سرزنش شدن از

۱- تحف العقول، ص ۳۵۹.

۲- اصول کافی، ج اول، ص ۱۷.

۳- فهرست غرر، ص ۳۳۳.

سوی شنوندگان باشد.

عن علي عليه السلام قال: «مَنْ أَطَالَ الْكَلَامَ فِيهَا لَا يَنْبَغِي فَقَدْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلْمَلَامَةِ؛ أَنْ كَسَّ كَه سَخْنٍ رَادِرٍ جَائِبِي كَه سَزَاوَارِ نَيْسْتِ بَه دَرَا زَا مِي كَشَانَد، بَا اَيْنِ كَار، خَوِيشْتَن رَا دَر مَعْرَضِ مَلَامَتِ قَرَارِ مِي دَهَد.»

(۵۱) از هدف بحث خارج شدن، سخنان زائد به میان آوردن و کلام را به درازا کشاندن، شنونده را خسته می‌کند و از مطلب مورد علاقه‌اش باز می‌دارد.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ الْبِلَاغَةُ: التَّقَرُّبُ مِنْ مَعْنَى الْبُغْيَةِ وَالتَّبَعُدُ مِنْ حَشْوِ الْكَلَامِ وَالدَّلَالَةُ بِالْقَلْبِ عَلَى الْكَثِيرِ؛» امام صادق عليه السلام فرمود: منشأ بلاغت سخن سه چیز است:

(۱) نزدیک بودن به هدف و موضوع بحث. (۲) دوری کردن از سخنان زائد و بی مورد. (۳) القا کردن معانی زیادی با عباراتی کم.

(۵۲) مبلغ باید از گفتن سخنان بی فایده پرهیز کند: اولیای گرامی اسلام، این قبیل سخنان را به «کلام فیما لا یغنیه» تعبیر کرده و آن را سخت مذمت کرده‌اند.

عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ دُنُوبًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ كَلَامًا فِيهَا لَا يَغْنِيهِ؛» رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: در قیامت، گناه

کسانی بیشتر است که بیشتر سخنان بی فایده گفته‌اند.

رعایت تناسب مجلس

(۵۳) خطیب باید قبلاً از خصوصیات مجلس و علت تشکیل آن آگاه گردد تا بتواند مطالبی را که متناسب با حال و مقتضی مجلس است انتخاب نماید.

(۵۴) خطیب موقع تصمیم‌گیری برای گزینش ماده سخن لازم است خویشان را از تمام احساسات شخصی و افکار خصوصی خالی کند، تمام ابعاد مجلس را واقع بینانه مورد توجه قرار دهد و مطلبی را برای سخن آماده کند که از هر جهت متناسب آن مجلس باشد.

جامعه‌شناسی و روانشناسی

(۵۵) بسیاری از مسائل اصولی جامعه‌شناسی در قرآن شریف و احادیث رسول اکرم صلى الله عليه وآله و اهل بیت عليهم السلام آمده است. اگر خطیب تحصیل کرده، از این رشته علمی آگاهی یابد، می‌تواند آن آیات و روایات را در بحث‌های جامعه‌شناسی پیاده کند و توجه شنوندگان را به ارزش علمی آن‌ها جلب نماید.

۱- همان، ص ۳۳۶.

۲- تحف العقول، ص ۳۱۷.

۳- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۳۷.

اجتناب نماید. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِذْ هَبْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ أَنَّهُ ظَغْنَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾^۱؛ «شما دو نفر حضرت موسی و هارون) نزد فرعون بروید. او طغیان و سرکشی کرده است. با وی به نرمی سخن بگویید، شاید متذکر شود یا از عذاب الهی بترسد.»

(۶۱) خطیب، با سخنان نرم و ملایم می‌تواند به سهولت شنوندگان را به راه حق هدایت کند، حس و وظیفه‌شناسی را در نهادشان بیدار سازد و آنان را در راه انجام تکالیف شرعی، تشویق و ترغیب نماید. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «عَوَّدَ لِسَانَكَ لَيِّنَ الْكَلَامِ؟» زبانت را به گفتار نرم و ملایم عادت بده.

نگرش همه جانبه

(۶۲) خطیب باید تمام حضار مجلس را مخاطب خود به حساب آورد و در طول مدت سخنرانی، به‌طور متناوب توجه خود را به همه شنوندگان به صورت مساوی معطوف کند.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «كُنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْسِمُ لِحَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ

(۵۶) آشنایی خطیب با علم روانشناسی به او کمک می‌کند تا بتواند به عمق پاره‌ای از روایات اخلاقی واقف گردد و به شنوندگان خویش هم بفهماند.

توجه به جو سیاسی

(۵۷) اگر خطیب به وضع سیاسی و شرایط موجود زمان اعتنا نکند و از کنار آن بی‌تفاوت بگذرد، ممکن است ناآگاه سخنی بگوید که در اوضاع و احوال روز، طبق مصلحت نباشد.

(۵۸) خطیب نه تنها در کرسی خطابه باید رعایت جو سیاسی را بکند بلکه در مجالس خصوصی، که بسا حضور قدرتمندان سیاسی خودخواه تشکیل می‌شود نیز باید رعایت جو مجلس را بکند.

احترام به شخصیت شنوندگان

(۵۹) خطیب نباید شخصیت مستمعین خویش را در گفتار و رفتار محترم شمرده و طوری سخن بگوید که شنوندگان احساس حقارت و پستی نکنند.

(۶۰) یکی از راه‌های احترام به شخصیت شنوندگان آن است که خطیب، با نرمی و ملایمت سخن بگوید. از خشونت در کلام و به کار بردن لغات تند

۱- طه/ ۴۳ و ۴۴.

۲- فهرست غرر الحکم، ص ۳۳۴.

۶۵) سخنرانان، برای آن که کلامشان هرچه بهتر در شنوندگان اثر بگذارد، لازم است اصل طبیعی و فطری هماهنگی را که از فنون مهم سخنوری است، مورد توجه قرار دهند و به گونه‌ای حرف بزنند که مطلب مورد بحث آن‌ها، با کیفیت صوت، وضع قیافه، صدای خفیف یا شدید، و همچنین چگونگی حرکات دست و بدنشان هماهنگ و منطبق باشد.

سخنوری و شجاعت

۶۶) شجاعت برای خطبای دینی به شرط آن که از مرز شرع تجاوز نکند و رنگ تهوّر به خود نگیرد، امری لازم و ضروری است.

خطیب فصیح و بلیغی که شجاع است و در پرتو اعتماد به خدا، با قاطعیت سخن می‌گوید، در دل‌ها نفوذ بیشتر دارد و مردم را زودتر به صراط مستقیم هدایت می‌نماید.

فهماندن سخن

۶۷) یکی از مسائل مهم در فن سخنوری که اساس جلسات سخنرانی بر آن استوار است، قدرت تفهیم مطالب

يَنْظُرُ إِلَى ذَا وَيَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسُّوَيْبَةِ؛ امام صادق عليه السلام می‌فرمود: رسول‌گرامی صلوات الله عليه نگاه‌های خود را بین اصحاب خویش تقسیم می‌نمود. به این و به آن به طور مساوی نگاه می‌کرد.»

انتقاد اصولی

۶۳) از جمله اموری که لازم است خطیب در کرسی سخن رعایت نماید، این است که به عنوان گفتن یا انتقاد کردن، فرد مخصوصی را مخاطب نسازد و از شخص معینی نام نبرد، چرا که انتقاد علنی، نه تنها در وی اثر مفید نمی‌گذارد و او را اصلاح نمی‌کند بلکه ممکن است نتیجه معکوس نیز بدهد.

حق‌گویی

۶۴) خطبای اسلامی باید در تبلیغ دین حق و نشر معارف قرآن کوشا و جدی باشند و تا جائیکه می‌توانند حق را بگویند و از تذکرات مفید و لازم خودداری ننمایند.

عن علي عليه السلام قال: «أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ قَدَّرَ عَلِيٌّ أَنْ يَقُولَ الْحَقَّ وَكَمْ يَقُولُ؟ عَلِيٌّ عليه السلام فرمود: زیان‌کارترین مردم کسی است که بتواند حق را بگوید، ولی لب فرو بندد و نگوید.»

رعایت هماهنگی

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۶۸.

۲- فهرست موضوعی غرر الحکم، ص ۳۳۲.

خطیب ممکن است ضررهای زیر را داشته باشد:

الف) بعضی از شنوندگان اصل شبهه را به خوبی فراگیرند و آن چنان تحت تأثیر واقع شوند که به جواب شبهه توجه ننمایند.

ب) بیان خطیب در مقام پاسخگویی، وافی و رسا نباشد و نتواند جواب شبهه را آن طور که باید بدهد. در نتیجه شنونده دچار تضاد درونی شده و عمرش در کشمکش باطنی طی می شود.

ج) پاسخ خطیب برهانی و مستدل نباشد و نتواند شنونده را قانع نماید، در این صورت شبهه از خاطر شنونده زدوده نمی شود.

۷۰) اگر در موردی خطیب ناچار شود شبهه‌ای را در منبر طرح نماید و به آن پاسخ گوید، بهتر آن است که در آغاز سخن، پاسخ شبهه را به صورت یک بحث اساسی مطرح نماید و به گونه‌ای توضیح دهد که وقتی اصل شبهه طرح می شود جواب آن را همه فهمیده باشند.

است. تفهیم مطالب از راه‌های زیر صورت می گیرد:

الف) رعایت روانی کلام

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ يَسْرِنَا الْقُرْآنَ لِيَذَّكَّرَ فَهَلْ مِنْ مَدَكِرٍ﴾؛ «ما قرآن کریم را برای خواندن (فهمیدن و حفظ کردن) آسان نمودیم. آیا کسی هست که از این کتاب آسان پند گیرد؟»

ب) استفاده از جملات کوتاه

اگر گاهی جملات طولانی است باید به گونه‌ای باشد که طول کلام رابطه لفظ و معنی را قطع نکند.

ج) مقایسه و سنجش

خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ﴾؛ «بگو آیا نابینا و بینا با یکدیگر مساوی اند و آیا تاریکی‌ها و روشنایی با هم یکسان هستند؟»

پاسخگویی به شبهات

۶۸) خطیب اسلامی، در کرسی سخن، حتی المقدور باید از طرح پاره‌ای از شبهات خودداری نماید و با توجه به سطح معلومات و درک شنوندگان به طرح شبهه بپردازد.

۶۹) طرح شبهه بدون توجه به سطح علمی و فهم شنوندگان و قدرت بیان

۱- قمر / ۱۷.

۲- رعد / ۱۶.